پاسخ "انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی" به روزنامه مردم

روزنامه " نامه مردم "

خواهشمنداست نوشته حاضر راطبق قانون مطبوعات درپاسخ به مطالبی که راجع‌به ببانیه انجمنهای دانشجویان مسلمان درصفحه اول شماره ۲۹۴ آن روزنامه نوشته شده بود ، دراولین شماره آن روزنامه درهمان صفحه وباهمان حروف درج نمائید.

لازم به تذکراست که چنانچه متن بیانیه انجمنهای دانشجویان مسلمان درکنار "ردیه " مزبور درج میگردید، خوانندگان شما بهترمیتوانستندبه حقایق پی ببرند . بهرحال صرفنظراز دعاوی‌شما مبتنی برآمادگی برای تحمل انتقادات امیدواریم که اینجانب‌رشرافت‌روزنامه نگاری وعرف مطبوعاتی مراعات‌شده وبادرج شرح حاضر انهان خوانندگان آن روزنامه روشنتر گردد.

انجمن های دانشجویان مسلمان
دانشگاهها و مدارس عالی

" بنام خدا "

بیانیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها ومدارس عالی کشورکه رهبری‌حزب توده‌را بسیار خشمگین‌کرده بوده چیزی‌جز بیان حقایق مربوط به ماهیت اپورتونیستی وعملکردهای‌خائنانه حزب مزبور نبوده است. عباراتی که درتشریح پروسه گذشته‌وحال این حزب دربیانیه آمده بوده انعکاس عملکردهای‌خائنانه و ابن‌الوقتی‌های این حضرات درجای‌جای تاریخ سی ساله اخیرایران است.

اینکه ترسیم سیمای‌سیاستهای این حزب تصویر کریهی ازخیانت به جنبش انقلابی خلق رابه نمایش میگذارد، گناه آن متوجه مانیست، بلکه متوجه خودآقایان است.

شایسته بود رهبران حزب کذائی(کذائی رالطفا " فحش تلقی نکنید . منظوراینست که واقعیت جریان مربوط به آقایان باهیچیک ازتعاریف‌علمی از " حزب " منطبق نیست)بجای‌آنکه بازهم خطا کنند و آینه رابشکنند ، نظری واقع بینانه به کارنامه گذشته وحال خویش می‌افکندند. دراینصورت شاید دربرابرنسلی که ازفردای پانزدهم خردادتاکنون پیوسته درمیان آتش وخون غلطیده وهرگز آسیب‌آنان بی بهره نمانده است‌دست‌کم بمثابه یک احساس‌صرفا " انسان کمی شرم میکردند. لیکن چه میتوان کرد. آنجا که استمرار جریان وار فرصت‌طلبی ها هرگونه پرتسیب انقلابی را درتمام معامله گریها برباد داده است، شاید اواصاسهای ویژه‌ی انسانی نیز کمتر اثری برجای باقی مانده باشد.

آقایان! رهبران حزب کذائی! شما دربرابر نسل خونین پیکار و انقلابی این میهن از کدام دژ افتخار صحبت میکنید؟

شما چگونه به خود اجازه میدهید که با گستاخی تمام علیه اصیلترین، ریشه دارترین و سرسخت‌ترین نیروی ضد امپریالیست جامعه یعنی مجاهدین خلق ایران به یاوه گوئی بپردازید؟ و برای کسانی که در برهوت خیانتهای شما برسر منافع خلق خویش و برسر پرنسیب‌ها و اصول انقلابی خود هرگز معامله نکردند و تاریخی از خون و حماسه آفریدند، تعیین تکلیف نمائید؟

شما ضمن شرح مندرج در صفحه‌ی اول شماره ۳۹۴ روزنامه‌ی مردم ادعا کرده بودید که با انیه‌ی ما در سطح سیاسی بسیار پائینی نگاشته شده بود! لابد این از سطح سیاسی بسیار بالای آقایان است که انتقادات و اعتراضات دانشجویان انقلابی نسبت به یک جریان انحرافی و اپورتونیستی را ضمن یک قیام صوری و فرمالیستی مشابه حرفهای شاه وانمود میکنند؟ تا شاید با هوچیگری و عوامفریبی اشکالات و انحرافات عمیق خود را لاپوشانی نمایند و لابد از سطح بسیار بالای سیاسی دبیر اول حزب ناشی میبود که ضمن پرداختن به حوادث اخیر مدارس و توطئه‌ی ارتجاعی به تعطیل کشاندن مدارس، مسئولیت را نه متوجه قدرت انحصارطلب حاکم و مسئولین سیاسی و رسمی کشور، بلکه متوجه دانش‌آموزان انقلابی مینماید! دانش‌آموزانی که دو سال پس از پیروزی انقلابی که با خون خویش به ثمر رسانده‌اند، ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک (و نه حقوق حداکثر) خود را الب مینمایند. و بهمین خاطر در معرض تفتیش عقاید و اخراج و تصفیه و شلاق و حتی شکنجه و توطئه تعطیل کامل محیط آموزشی خود قرار میگیرند. البته ما این موضع گیریها را به سطح بسیار بالای سیاسی شما نسبت میدهیم، چرا که بعید میدانیم شما از حقایق مربوط به این جریانها بی اطلاع باشید! البته منظور همان سطح سیاسی بسیار بالائی است که به سادگی اصیلترین نیروهای ضد امپریالیست را با همه‌ی سوابق انقلابی شان همدست آمریکا مینامد و بجای آن جریانهای واپس مانده‌ی اجتماعی را بدلیل مواضع قدرت آنان و علیرغم ضربه‌های سنگین و انحرافات عمیقی که به جنبش ضد امپریالیستی تحمیل کرده‌اند، دمکرات و ضد امپریالیست میشمارد. بله آقایان سطح بالای سیاسی و اخلاقیات کالائی و تنگ‌نظرانه شما ارزانی خودتان باد. نسل انقلابی این مرز و بوم دیرگاهی است که فرهنگی سوای آنچه شما ساخته و پرداخته‌اید با خون و رزم و با اندیشه و عمل حقیقتا انقلابی خلق کرده است. فرهنگی که کیفا" با آنچه شما می‌اندیشید و تصور میکنید تفاوت دارد.

در اینجا بار دیگر فشرده‌ای از فهرست مواضع اپورتونیستی و بعضا" خائنانه حزب توده را ذکر میکنیم تا خوانندگان، آن دژ افتخار را بهتر بشناسند و رهبران حزب هم بجای هوچیگری قدری به کارنامه‌ی خویش بیاندیشند:

۱ـ سیاست حزب توده در قبال نهضت ملی کردن نفت و دولت ملی دکتر محمد مصدق و خیانت آشکار رهبری آن حزب تا جائی که منجر به تحقق کودتای ۲۸ مرداد گردید.

۲ـ خیانت رهبران حزب پس از کودتا و توبه نامه‌ها و عهوع آنان که مورد تشویق و ترغیب شاه واقع شد و حتی بعضی از آنان عملا" به همدستی با جلادان ساواک پرداخته و به مهره‌های اصلی این دستگاه جهنمی بدل شدند. و در قدمهای اول نیز اعضاء و هواداران مقاوم حزب را به مسلخ بردند. البته بدیهی

است که وجود چنین خود فروختگانی درحزب ، از ارزش کار عناصر مقاوم ومبارزی که عمدتا " در ردههای پائین تشکیلاتی قرار دارند نمی‌کاهد و خون شهیدانی را که اکنون کمیته‌ی مرکزی حزب توده به ناحق برای آب ورنگ دادن به چهره‌ی خود، از آنان سوءاستفاده میکند پایمال نخواهد کرد.

۳ـ موضع تائید آمیز حزب توده نسبت به اصلاحات کذائی شاه وتخطئه قیام خونین ۱۵ خرداد ، که همچون دعاوی اپورتونیستی کنونی این حزب در قالب هذیان گوئی های بسیار مطنطن باصطلاح تئوریک توجیه میگردید.

٤ـ آغاز مواضع اپورتونیستی ومخالفت با مبارزات انقلابی مسلحانه برعلیه دیکتاتوری وابسته و صدور ردیه‌ها وتبلیغات مزورانه برعلیه آن وبه نفع رژیم شاه وامپریالیسم آمریکا وتلاش درجهت تجزیه وتضعیف مبارزه‌ی مسلحانه وهمصدائی باشاه خائن درماجراجو قلمداد کردن پیشتازان انقلابی خلق ، علیرغم آمادگی شرایط عینی وپتانسیل انقلابی جامعه (که درقیام مسلحانه‌ی ۲۲ بهمن و واژگونی انقلابی نظام شاهنشاهی عملا" به اثبات رسیده است).

۵ـ پی عملی ، انفعال ویاسیویسم درخلال سالهای ۳۲ تا ۵۷ ، درواقع حزب توده درکارنامه‌ی ۱۰ سال گذشته خود جز سکون وسکوت چیزی ندارد وباید دید که سازماندهی تئوریک! و فعالیت رهبران حزب درخارج ازکشور، درمیدان مبارزات خونین خلق وپیشتازانش دراین سالها کدام عملکرد ملموس و محسوس را داشته است؟!

٦ـ سیاستها ومواضع اپورتونیستی پس ازقیام که درمجیزگوئی به درگاه قدرت حاکم وکاسه‌لیسی ارتجاع خلاصه میشود. سیاستی که به همه‌ی واپس گرائی‌ها وسازشکاریها و ..... صحه گذارده وبه توجیه وتئوریزه کردن آن پرداخته است. سیاست فرصت‌طلبانه ، پراگماتیستی وبی اصول که تا مرز حمایت ازعقب مانده ترین نیروهای اجتماعی باعنوان دمکراتهای انقلابی! ومتقابلا" متهم کردن نیروهای اصیل انقلابی به همدستی باآمریکا وضدانقلاب به پیش میرود!

۷ـ صحه گذاردن به‌ماده‌ی ضدانقلابی انحلال مجاهدین بعنوان ریشه دارترین جریان ضدامپریالیست جامعه درکنار نیروهای ارتجاعی وهمدستان بینا بینی آنان در راهپیمائی ۱٤ تیرماه ۵۹ ضدیتهای موذیانه‌ی پنهان وآشکار با نیروها وآزادیهای انقلابی تاآنجاکه تهاجمات وتشنج آفرینیهای منجربه قتل وکشتار مجاهدین درشهرهای مختلف بویژه صفحات شمالی کشور وهمچنین تهاجمات انحصارطلبانه ارتجاعی درسطح مدارس علیه ابتدائی ترین حقوق صنفی وسیاسی دانش‌آموزان را به نفع قدرت حاکم تائیدکرده وانقلابیون ومجاهدین را مقصر قلمداد میکنند وباکمال وقاحت وبیشرمی مواضع مجاهدین وبهای سنگینی راکه با بذل عظیمترین صبروانضباط انقلابی هوادارانشان برای جلوگیری ازگسترش تشنجات وحفظ وحدت ضدامپریالیستی خلق پرداخته اندنادیده میگیرد.

۹ـ .....

اینها هستند همان مضمون اصلی بیانیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها ومدارس عالی که رهبری حزب توده کوشیده است باهوچیگری ومردم فریبی ازآن بگذرد. اینها هستند همان مواردی که حزب کذائی باید به آن بپردازد وبه جای توجیه کاری وتحریف تاریخ به خلق وانقلابیون پاسخ گوید ولا اقل کمی شرم نماید.

ما بازهم خاطرنشان میکنیم که رهبری حزب با این سوابق وکارنامه ی ننگین بهجائی نرسیده است که برای نیروهای انقلابی تکلیف معین کند. رهبری حزب توده باید بخاطر داشته باشند که ادامه ی گستاخی های آنان درخنجرزدن به نیروهای اصیل بنفع امپریالیسم آمریکا، ازجانب نسل انقلابی این میهن بی پاسخ نخواهد ماند.

" انجمن های دانشجویان مسلمان
دانشگاهها ومدارس عالی"
۵۹/۹/۳۰

ازآنجاکه " روزنامه مردم" پاسخ انجمنهای دانشجویان مسلمان رادرج نکرده است برآن شدیم تا برای اطلاع همگان آنرا تکثیر کنیم. ۵۹/۱۰/۶